

:

ترجمه: حسین تاجی گله داری

چاپ و نشر

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

عربستان سعودی



:

ترجمه: حسین تاجی گله داری

ناشر

معاونت مطبوعات و پژوهش علمی

وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد

۱۴۲۶ھ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

:

علامه محدث محمد ناصر الدین آلبانی در سال ۱۳۳۳هـ ق مطابق با ۱۹۱۴م در شهر «آشکو دره» پایتخت حکومت آلبانی در خانواده‌ای فقیر، متدین و اهل علم دیده به جهان گشود.

پدرش «نوح نجاتی» بعد از اینکه دروس دینی را در مدارس دینی آستانه قدیم «استانبول» امروزی، پایتخت دولت عثمانی فرا گرفت، برای خدمت دین و آموزش مردم به سرزمینش آلبانی برگشت، و مردم برای یادگرفتن امور شرعی به وی مراجعه می‌کردند.

مهاجرت به شام:

دیری نگذشت که حکومت آلبانی را فردی لائیک بنام احمد زوغو بدست گرفت، و مسلمانان تحت

فشار شدیدی قرار گرفتند، او کشف حجاب و پوشیدن لباسهای غربی را اجباری نمود، همین مسأله باعث شد تا پدر شیخ وعده کثیری برای حفظ دین و ایمان و آینده فرزندان به فکر هجرت بیفتند. و شهر دمشق را که در سرزمین شام قرار دارد انتخاب نمودند. آنهم بخاطر فضائی که سرزمین شام از آن برخوردار است و دعایی که از رسول الله در حق آن سرزمین روایت شده است.

آغاز زندگی علمی:

محمد ناصر الدین کودکی ۹ ساله بود که همراه پدرش به شام هجرت نمود. و برای اولین بار به مدرسه ابتدائی «اسعاف خیری» در دمشق پا گذاشت، اما چون پدرش نظام آموزشی مدرسه را برای فرزندش کافی و کامل نمی دانست، پس از پایان دوره ابتدائی

وی را از مدرسه بیرون نمود، و خودش با یک برنامه ریزی دقیق، علمی و فشرده به آموزش وی همت گماشت، و قرآن، تجوید، نحو و صرف و فقه مذهب حنفی به وی آموخت.

همچنین محمد ناصر الدین بعضی از علوم دینی و عربی را نزد بعضی از دوستان پدرش مثل شیخ «سعید برهانی» فرا گرفت.

و هنگامیکه علامه حلب در آن زمان شیخ «راغب طباخ» از نبوغ و علاقه وی به علم حدیث مطلع گردید برای بزرگداشت و اعتراف به فضل و بزرگی اش اجازه روایت حدیث به وی اعطا فرمود.

شیخ هنوز بیست بهار از عمر مبارکش نگذشته بود که پس از مطالعه مجله «المنار» برشته تحریر شیخ رشید رضا، بسوی علم حدیث روی آورد. از زبان

خود شیخ بشنویم که می‌گوید: روزی در یکی از کتابفروشی‌ها یک شماره از مجله «المنار» را دیدم، که در آن سید رشید رضا، درباره کتاب احیاء علوم الدین غزالی، و خوبی‌ها و اشکالاتی که در این کتاب وجود دارد بحثی علمی نموده بود، من برای اولین بار چنین نقد علمی را می‌دیدم، همین مسأله باعث شد تا تمام مجله را بخوانم، و آنگاه تخریج حافظ «عراقی» را بر کتاب «احیاء علوم» مطالعه و بررسی کنم، و چون خریدن پول کتاب را نداشتم آنرا به عاریت گرفتم و خواندم، وقتی که آن تخریج دقیق را دیدم، تصمیم گرفتم از آن کتاب نسخه برداری کنم، و گمان می‌کنم این کوشش و تلاشی که در این راه صرف نمودم مرا تشویق کرد، و به ادامه این کار علاقه‌مند ساخت.

و شیخ اولین کار علمی خود را بر کتاب حافظ

«عراقی» (المغني عن حمل الأسفار، تخریج إحياء علوم)
آغاز نمود. و بعدها می فرمود: «از لطف و مرحمت
خداوند در این کتاب فواید بسیار پیدا کردم.
شیخ ناصر حرفه ساعت سازی را از پدر آموخت و
در این فن استادی ماهر گردید، و از این راه امرار
معاش می نمود.

و شیخ می گفت: «نعمت های خداوند بر من
بی شمار است، شاید مهمترین آنها دو تا باشد: هجرت
پدرم به شام و آموزش حرفه ساعت سازی به من».
شیخ هر چه بزرگتر می شد، و معلومات وی افزوده
می گردید، به همان اندازه عطش علمی او افزایش
می یافت و به کتاب و مطالعه گرایش بیشتری پیدا
می کرد، و برای رفع این عطش علمی راه مطالعه را در
پیش گرفت، چون کتابهای مورد احتیاج خود را

نمی توانست خریداری نماید، و نیز در میان کتابهای پدرش یافت نمی شد، به بزرگترین کتابخانه شام یعنی «کتابخانه ظاهریه» روی آورد، در آن کتابخانه علاوه از کتابهای چاپی هزاران جلد از نسخه های خطی و نادر وجود داشت. و شیخ مانند یک کارمند کتابخانه در تابستان و زمستان روزانه شش تا هفت ساعت برای مطالعه و نسخه برداری در آنجا می نشست و با همتی خستگی ناپذیر مشغول مطالعه و جستجو و نوت برداری می شد، بطوری که ساعت کار کامندان کتابخانه تمام می شد ولی شیخ همچنان سرگرم مطالعه و بحث بود. بعد از مدتی کلید کتابخانه به ایشان داده و اتاقی به وی اختصاص داده شد، آنگاه قبل از کارمندان به کتابخانه می آمد و بعد از آنها بیرون می رفت، و گاهی آنقدر سرگرم بحث و مطالعه می شد که غذا خوردن را

فراموش می‌کرد، و بعضی وقتها دکان ساعت سازی را می‌بست و به کتابخانه می‌رفت و بیش از دوازده ساعت پی در پی به بحث و مطالعه می‌پرداخت، نتیجه این مطالعات و تحقیقات در تألیفات گرانبهای شیخ و در فهرست نمودن کتابهای حدیث که برای کتابخانه ظاهریه تهیه نموده بخوبی هویدا و آشکار است. حدیث و کلام رسول الله برای راهنمایی و ارشاد شیخ آلبانی بحدی مؤثر بود، و به وی کمک نمود تا راه و روش سلف را انتخاب نماید، و پرچم یگانه پرستی را بدوش بگیرد، و با خرافات و شطحات صوفی‌گری به مبارزه برخیزد و با پیروان آنها جدال و مناقشه نماید.

شیخ با برگزار کردن جلسه‌های علمی در مساجد و منازل، و همچنین مسافرت به شهرهای دیگر مانند

«حلب»، «لاذقیه»، «حمص»، «حماه»، و غیره، توانست مردم را بسوی این دو اصل مهم قرآن و سنت به روش سلف دعوت دهد، و روح تحقیق و پژوهش در علم روایت و درایت بین جوانان بار دیگر زنده نماید. دعوت شیخ تنها در داخل کشور سوریه محدود نمی شد بلکه به کشورهای هم جوار و همسایه آن مانند «اردن» و «لبنان» نیز تأثیر گذاشت.

شیخ در دانشگاه اسلامی مدینه:

هنگامی که آوازه و شهرت شیخ در آفاق پیچید، و علم و معرفت ایشان درباره علم حدیث بر سر زبانها افتاد، برای تدریس و استادی کرسی حدیث در دانشگاه اسلامی مدینه فراخوانده شد و مدت ۳ سال در آن دیار مقدس تدریس نمود. ولی حاسدین و حاقدین و درباریان و کسانی که با

گسترش علم و آگاهی مخصوصاً علم حدیث و بررسی اسانید، - که شیخ از احیاء کننده گان آن بود - منافع خود را در خطر می دیدند آرام ننشستند، و با حیل و نیرنگ و دروغ و بهتان و تقرب به حکام، توانستند بیشتر از شش ماه شیخ را به زندان بیاندازند، و شیخ قبل از این هم در سال ۱۹۶۷م به مدت یکماه زندانی شده بود.

شیخ از خلوت زندان استفاده نمود. از آن جمله «صحیح مسلم» را مختصر نمود، قابل ذکر است که این غیر از آن مختصری که امام منذری انجام داد، که شیخ آن را نیز تحقیق نموده است.

زندان هرگز باعث نشد تا شیخ راه دعوت و مبارزه را رها نماید، بلکه در زندان هم زندانی ها را بسوی قرآن و سنت دعوت می کرد، و در زندان نماز جمعه و

جماعت بر پا می نمود.

شیخ آلبانی، بعد از آزادی از زندان مسیر دعوت و مبارزه را ادامه داد، تا اینکه اهل بدعت و درباریان عرصه را بر شیخ تنگ کردند تا آنجائی که شیخ مجبور به مهاجرت شد، آنگاه از سوریه به اردن هجرت نمود، و بعد دوباره به سوریه برگشت، و از آنجا به بیروت، سپس به امارات، و در نهایت به اردن رحل افکند و در شهر «عَمَّان» پایتخت اردن مسکن گزید.

تألیفات و تحقیقات:

شیخ کتابهای بسیاری را تحقیق و تخریج نموده، و کتابهای متعددی نیز تألیف نموده است، و بیشتر کتابهای شیخ تا بحال چاپ نشده است، فقط در حدود چهل کتاب تا بحال چاپ گردیده است.

و در سال ۱۹۹۹ میلادی جایزه بین المللی ملک

فیصل بخاطر خدمات ارزنده‌ی وی درباره کتابهای
حدیث و سنت پیغمبر اکرم به وی تعلق گرفت.

برخی از کتابهای شیخ عبارتند از:

- ۱- صلاه العیدین، ۲- مناسک الحج، ۳- فهرس مسند
الإمام أحمد، ۴- نقد نصوص حدیثیة فی الثقافة الإسلامية،
۵- الحدیث حجة بنفسه فی العقائد والأحكام، ۶- منزلة
السنة فی الإسلام، ۷- سلسلة الأحادیث الصحیحة فی
الإسلام، ۸- سلسلة الأحادیث الضعیفة، ۹- خطبة
الحاجة، ۱۰- صفة صلاة النبی ، إرواء الغلیل،
۱۱- تمام المنّة فی التعليق علی فقه السنّة، ۱۳- ظلال
الجنّة، ۱۴- نیل المرام، ۱۵- صحیح الجامع الصغیر
وزیادته، ۱۶- نصب المجانیق. و دهها کتاب دیگر.

شاگردان شیخ:

شیخ شاگردان بسیاری را تربیت نموده و عده‌ای
بی‌شمار از محضر ایشان کسب فیض نمودند که ما
برخی از معروفترین آنها را ذکر می‌کنیم:

- ۱ - حمدی عبدالمجید.
- ۲ - عبدالرحمن عبدالخالق.
- ۳ - دکتر عمر سلیمان الأشقر.
- ۴ - خیرالدین وائل.
- ۵ - محمد عید عباسی.
- ۶ - محمد ابراهیم شقره.
- ۷ - عبدالرحمن عبدالصمد.
- ۸ - مقبل بن هادی الوادعی.
- ۹ - زهیر الشاویش.
- ۱۰ - علی خشان.

۱۱ - محمد جمیل زینو.

۱۲ - علی حسن عبدالحمید.

۱۳ - أبو إسحاق الحوينی.

۱۴ - محمد إبراهيم الشیبانی.

۱۵ - دکتر عاصم القریوتی.

بیماری و وفات:

شیخ در اواخر حیاتش دچار بیماریهای سختی شدند بحدّی که در روز وفات وزن ایشان کمتر از ۳۰ کیلوگرم شده بود، ولی با این وجود از فضل و کرم خداوند عقل و حافظه و ذهنش سالم بود و کسانی که به عیادتش می آمدند برخی را با نام و برخی دیگر را با شکل و قیافه می شناخت. در ایام بیماری هرگاه احساس می کرد که کمی حالش بهتر است به بحث و جستجو و مطالعه مشغول می شد و اگر توانایی نداشت

به یکی از فرزندان و یا کسانی که اطراف او بودند دستور می‌داد که فلان کتاب را بیاورید و برایم بخوانید.

و اینچنین شیخ بزرگوار ۶۰ سال از عمر مبارکش را در خدمت قرآن و سنت رسول الله سپری نمود تا اینکه قبل از غروب آفتاب روز شنبه در ۲۲ جمادی اول ۱۴۲۰هـ ق مطابق با ۱۹۹۹/۱۰/۲م در سن ۸۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفت، و دار فانی را بسوی سرای باقی شتافت. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

«مترجم»

برای ارتباط با ما می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

www.aqeedeh.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور
أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا
هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً
عبده ورسوله أما بعد:

پس از اینکه چند نفر از دوستان و برادران پیشنهاد نمودند
که کتابم «صفة صلاة النبي من التكبير إلى التسليم كأنك
تراها» را تلخیص نمایم، بگونه‌ای که خلاصه‌وار و قابل فهم
برای عامه‌ی مردم باشد.

این پیشنهاد را مبارک و میمون دیدم و آنرا هم راستا با
درون خویش یافتم چرا که مدت زمان زیادی بود چنین فکری
را داشتم و موقعی که چنین پیشنهادی را از برادر و دوستی
شنیدم مرا بر آن داشت که بطور موقت، مقداری از اوقاتم که
بسیار به امور علمی مستغرق است بکاهم و به آن اختصاص
دهم، پس به تحقق این پیشنهاد بر حسب طاقت و توانم

پرداختم به امید اینکه خداوند مولی - سبحانه و تعالی - آنرا خالصانه برای درگاه کریمش قرار دهد و برادران مسلمانم از آن بهره و سود برند.

در آن بعضی فوائد زائد را بر (صفت «نماز») بخاطر یادآوری افزودم و بیان صفت را در بین تلخیص ویرایش و آراسته نمودم همچنانکه توجه خاصی را به شرح بعضی از الفاظ وارده در بعضی جملات حدیث یا اذکار داده‌اند.

در آن سر فصل‌ها و عنوان‌های اصلی را قرار داده‌ام و شامل عنوان‌های فرعی زیادی که جنبه توضیحی دارند می‌باشد، و در زیر آن مسائل کتاب را با شماره‌های ترتیبی آورده‌ام، هر مسأله‌ای که حکم آن رکن یا واجب است، به صراحت حکم آن را بیان نموده‌ام، و در مواردی که از بیان حکم آن سکوت شده بیانگر این است که از زمره سنت‌ها می‌باشد، و در بعضی از این موارد احتمال قول به واجب بودن هست، و جزمیت به واجب بودن یا سنت بودن آن با تحقیق علمی منافات دارد.

رکن: چیزی است که بوسیله‌ی آن، شیء‌ی که در آن است کامل می‌شود، و عدم وجودش باعث بطلان «و عدم» چیزی می‌شود که جزء رکن آن است، مانند رکوع در نماز که رکن نماز است، و عدم رکن در نماز باعث باطل شدن نماز است.

شرط: همانند رکن است با این تفاوت که شرط خارج از ماهیت مشروط است، همانند وضو در نماز که نماز بدون وضو صحیح نیست.^۲

واجب: امر به واجب بودن در قرآن و سنت ثابت شده و دلیلی بر رکن بودن یا شرط بودن آن وجود ندارد، و فاعلش ثواب می‌برد، و تارککش مستوجب عقاب و عذاب است، بجز در حالت عذر.

واجب همانند فرض است، و تفاوت آنها اصطلاحی است

۱ و ۲- رکن جزء ماهیت شیء است، ولی شرط خارج از ماهیت شیء است، و عدم هر دو باعث عدم شیء، و وجودشان باعث وجود می‌شود. (مترجم).

که بوجود آمده و هیچ گونه دلیلی بر آن نیست.
 سنّت: آن است که پیامبر بر عبادات بطور دائم یا
 غالب مواظبت داشته و «عمل نموده است»، بر آن امر ایجابی
 نفرموده و فاعلش ثواب می‌برد، و تارکش دچار عقاب و عتاب
 نمی‌شود.

اما حدیثی که بعضی از مقلدین آنرا بیان می‌کنند «و بدان
 استناد می‌کنند» و آنرا به پیامبر نسبت می‌دهند که: «من
 ترک سنتی لم تنله شفاعتی» (هر کس سنت مرا ترک گوید،
 شفاعتم شامل او نمی‌شود) این حدیث هیچ اصلی مبنی به
 اینکه از پیامبر باشد ندارد. در این حالت جایز نیست
 نسبت این سخن به پیامبر از ترس «ممنوع و حرام بودن»
 نسبت دادن سخنانی که شخص از خود در آورده و به پیامبر
 نسبت داده است، چرا که رسول الله می‌فرماید: «من
 قال علیّ ما لم أقل فلیتبعوا مقعده من النار» (هر کس بر من سخنی را
 نسبت دهد که آنرا نگفته‌ام، جایگاهش را برای آتش آماده

نماید).

نکته قابل ذکر و مهم این است که من خود را در اصل ملتزم به هیچ یک از مذاهب اربعه‌ی رایج و پیروی شده، نکرده‌ام و «در این زمینه» مسلک اهل حدیث را پیموده‌ام؛ راه کسانی که هر چیزی را که از پیامبر از حدیث ثابت شده، اخذ کرده‌اند و بدین خاطر مذهب و راه آنان از مذاهب دیگر قوی‌تر است، بگونه‌ای که منصفانه هر مذهبی بدان شهادت داده‌اند، از جمله‌ی آنان علامه ابوالحسنات لکنوی حنفی است که گفته است: چگونه آنان مردوداند در حالیکه آنان وارثان به حق پیامبر ، و جانشینان بر صدق شریعتش هستند، خداوند ما را از زمره‌ی آنان محشور فرماید و ما را بر محبت و راه و روش آنان بمیراند».

و امام احمد بن حنبل - خداوند او را رحمت فرماید - گفته است:

دين النبي محمد أخبار نعم العطية للفتى آثار
لا ترغبين عن الحديث وآله فالرأي ليل والحديث نهار

ولربما جهل الفتى أثر الهدى والشمس بازغة لها أنوارُ

- ۱- دین پیامبر محمد حدیث است، احادیث و آثار پیامبر خوب هدیه‌ایست برای جوانمردان.
- ۲- از حدیث و پیروانش پرهیز مکن چرا که رأی و نظر همانند شب است و حدیث همانند روز.
- ۳- چه بسا جهل شخصی نسبت به تأثیر سنت نبوی همانند خورشید تابانی است که نورافشانی می‌کند (ولی باز اشخاصی با این وجود آنرا نمی‌بینند).

دمشق ۲۶ صفر ۱۳۹۲

محمد ناصرالدین آل‌بانی



ای مسلمان! هر گاه برای نماز برخاستی، در هر جا که هستی، در نمازهای فرض و سنت بسوی کعبه روی آور، و رو کردن بسوی قبله رکنی از ارکان نماز است که بدون بجای آوردن این رکن نماز درست نخواهد بود.

ولی در میدان جنگ و ترس، رو به قبله نمودن ساقط می‌گردد.

*و همچنین (رو کردن به قبله) از کسی که توانایی آنرا نداشته باشد مثل: بیمار، و کسی که سوار بر کشتی، ماشین و یا هواپیما است و بیم آن می‌رود که وقت نمازش فوت گردد، ساقط می‌شود.

*و کسی که سوار یا مسافر در ماشین بود و نماز نفل یا وتر می‌خواند رو به قبله ایستادن از وی ساقط

می‌گردد. ولی هنگام تکبیر اول رو به قبله نماید مستحب است، سپس به هر سمتی که مسیرش هست، برود بلا مانع است.

*و هر کسی که کعبه (بیت الله) را می‌بیند بر وی واجب است که بسوی آن رخ نماید و اما اگر کعبه را نمی‌بیند رو کردن به جهت آن کافی است.

حکم اشتباه در نماز خواندن بطرف غیر قبله:

*اگر کسی به علت ابری بودن هوا یا علت دیگری بعد از تلاش و جستجو به سمت غیر قبله نماز خواند، نمازش درست است، و بر وی اعاده لازم نیست.

*و اگر کسی در حال نماز خواندن اشتباه کرده بود و شخصی که به وی اعتماد دارد، آمد و او را از جهت قبله آگاه ساخت در این صورت بر وی لازم است که بی‌تردید به سمت قبله روی نماید، و نمازش درست است.

:

بر نمازگزار واجب است که ایستاده نماز بخواند، زیرا قیام رکن نماز است مگر برای افراد زیر:

- کسی که نماز خوف در حالت جنگ می‌خواند، برای وی جایز است سواره نماز بخواند.
- بیماری که توانایی ایستادن ندارد، در صورتیکه توانایی نشستن دارد، نشسته نماز بخواند و اگر نه بر پهلو خوابیده نماز بخواند.
- کسی که نماز نفل (سنت) می‌خواند، برایش جایز است که سواره نماز بخواند، همچنین می‌تواند نشسته نماز بخواند، با اشاره سر رکوع و سجده نماید، چنانچه بیمار هم همینطور نماز می‌خواند، البته در اشاره سجده، سرش را بیشتر از اشاره رکوعش پایین آورد.

• برای شخصی که نشسته نماز می‌خواند جایز نیست که چیزی بر روی زمین بگذارد و بر آن سجده کند، بلکه اشاره سجده‌اش را پایین‌تر از اشاره رکوعش قرار دهد چنانچه ذکر شد. و این هنگامی است که نتواند مستقیماً پیشانی خود را بر زمین بگذارد.

نماز خواندن در کشتی و هواپیما:

*خواندن نماز فرض در کشتی و همچنین در هواپیما جایز است.

*و اگر از افتادن بیم داشته باشد، می‌تواند در کشتی و هواپیما نشسته نماز بخواند.

*و برای نمازگزار جایز است که به علت پیری یا ضعف بدنش در هنگام قیام بر ستون یا چوبدستی (عصا) تکیه دهد.

جمع نمودن میان ایستادن و نشستن:

انسان می‌تواند نماز شب (تهجد) را ایستاده یا نشسته بخواند، و یا میان ایستادن و نشستن جمع نماید، بدینصورت که نماز را نشسته آغاز کند، مقداری بخواند و اندکی قبل از رکوع بلند شود و چند آیه‌ای ایستاده بخواند. و بعد از آن رکوع و سجده نماید، سپس در رکعت دوم همین طور عمل کند.

*و هر گاه نشسته نماز خواند چهار زانو بنشیند، یا هر طوری که برایش راحت باشد.

نماز خواند با کفش:

*پای برهنه و همچنین با کفش نماز خواندن جایز است.

*و بهتر اینست که هر طور برایش میسر شد،

گاهی بدون کفش و گاهی با کفش نماز بخواند، و خود را برای پوشیدن و بیرون کردن کفش در نماز به سختی نیاندازد، بلکه اگر پای برهنه باشد، با پای برهنه نماز بخواند، و اگر کفش پوشیده باشد، با کفش نماز بخواند، مگر اینکه مانعی وجود داشته باشد.

*و اگر کفشهایش را بیرون آورد نباید در سمت راستش بگذارد، بلکه در سمت چپ خود بگذارد در صورتی که سمت چپش شخص نمازگزار نباشد، وگرنه آن را بین پاهایش^(۱) بگذارد، این دستور و فرمان از پیامبر به صحت رسیده است.

۱ - در این مسأله اشاره لطیفی است به اینکه کفشهایش را جلوی خود نگذارد، و این ادبی است که بیشتر نمازگزاران نسبت به آن بی‌توجهی می‌کنند و چه بسا مشاهده می‌کنیم که بسوی کفشهایشان نماز می‌گذارند!

نماز خواندن بر منبر:

*و برای آموزش مردم جایز است که امام بر مکانی بلند همچون منبر بایستد و نماز بخواند، پس بر آن تکبیر گوید، قرائت کند، و رکوع نماید، و در حالی که به عقب بر گردد پایین بیاید تا اینکه بتواند بر زمین (در کنار منبر) سجده نماید. آنگاه به جای خودش بر گردد و در رکعت دومی نیز همان کارهایی را انجام بدهد که در رکعت اولی انجام داد.

نماز خواندن به سوی ستره^(۱) و نزدیک شدن به آن

واجب است:

نماز خواندن بطرف ستره واجب است، در مسأله

۱- چیزی که نمازگزار در جلو خودش قرار می‌دهد تا کسی از سجده‌گاهش عبور نکند.

ستره مسجد و غیر مسجد و بزرگ و کوچک بودن
مسجد تفاوتی نمی‌کند، زیرا رسول الله می‌فرماید:
«لا تَصَلُّ إِلَّا إِلَى سِتْرَةٍ وَلَا تَدْعُ أَحَدًا يَمْرُبُ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ
أَبِي فَلَتَقَاتِلَهُ فَإِنَّ مَعَهُ الْقَرِينَ» عمومیت دارد.

یعنی: فقط بسوی ستره نماز بخوان، و هرگز نگذار
کسی از جلویت عبور کند، پس اگر کسی اصرار
ورزید با وی گلاویز شو (بجنگ) زیرا شیطان همراه
وی است.

*نزدیک شدن به ستره واجب است، زیرا رسول
اکرم به آن امر نموده است.

*فاصله جایی که پیامبر سجده می‌نمود تا
دیواری که بطرف آن نماز می‌خواند به اندازه عبور
یک گوسفند بود. پس کسی که اینچنین عمل نماید به

آن نزدیک شدن واجب عمل نموده است^(۱).

طول ستره:

واجب است ستره به اندازه یک یا دو وجب از زمین بلند باشد، زیرا رسول الله فرموده است: «إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ^(۲) فَلْيُصَلِّ وَلَا يَبَالِي مَنْ مَرَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ».

هر گاه یکی از شما جلوی خودش چیزی مانند آخر پالان شتر گذاشت، آنگاه نماز بخواند، و پشت آن

۱- بنابراین آنچه مردم در تمام مساجدی که دیده‌ام در سوریه و غیره انجام می‌دهند، بطوریکه به دور از دیوار و وسط مسجد نماز می‌خوانند، چیزی جز غفلت از این دستور و فعل پیامبر نیست.

۲- آن چوبی است که در آخر پالان شتر است، و رحل (پالان) برای شتر مانند زین برای اسب می‌باشد. وحديث اشاره به این دارد که خط کشیدن روی زمین کافی نیست، و حدیثی که در این زمینه روایت شده ضعیف می‌باشد.



اگر کسی عبور نمود، هیچ اشکالی ندارد.

*مستقیم در برابر ستره قرار گیرد، زیرا ظاهر دستور نماز بسوی ستره همین را می‌رساند، اما اینکه مقداری سمت چپ یا راست ستره قرار گیرد بطوری که مستقیم و برابرش نباشد، به ثبوت نرسیده است.

*نماز خواندن بسوی درخت و ستون، و عصا و هر چیزی مانند آن که در زمین نصب شده باشد، جایز است.

*و همچنین اگر فرد بسوی همسرش که بر تخت خوابیده در حالی که زیر لحاف است، نماز بخواند، اشکالی ندارد، و همچنین نماز خواندن بسوی حیوان اگر چه شتر باشد، درست است.

نماز خواندن بسوی قبر (گور) حرام است.

نماز خواندن بسوی قبر مطلقاً جایز نیست، فرقی

نمی‌کند که قبر پیامبران باشد، یا قبر دیگران.

عبور کردن از جلوی نمازگزار حرام است، اگر چه

در مسجد الحرام باشد:

هر گاه جلوی نماز گزار ستره وجود داشته باشد، عبور کردن از میان وی و ستره‌اش جایز نیست، در این مورد مسجد الحرام و مساجد دیگر با هم فرقی نمی‌کنند. زیرا سخن پیامبر : «کسی که از جلوی نمازگزار عبور می‌کند اگر می‌داندست چه گناهی بر وی می‌باشد، هر آئینه چهل (چهل روز یا سال ...) می‌ایستاد برایش بهتر بود از اینکه از جلویش عبور کند»^(۱)، شامل همه مساجد می‌شود.

۱- واما حدیث نماز پیامبر در کنار مطاف بدون ستره در حالی که مردم در جلویش عبور می‌کردند، صحیح نیست. و بعلاوه اینکه در آن ذکر نیست که مردم از میان ایشان و محل سجده‌اش عبور می‌کردند.

بر نمازگزار واجب است که نگذارد کسی در جلوی عبور کند، اگر چه در مسجد الحرام باشد.

*برای کسی که بسوی ستره نماز می خواند جایز نیست بگذارد کسی از جلوی عبور کند، بخاطر حدیث سابق: «... هرگز نگذار کسی از جلویت عبور کند...».

و فرمان پیامبر : « هر گاه یکی از شما بسوی چیزی (ستره ای) نماز خواند و کسی خواست از جلوی عبور بگذرد، باید با زدن به سینه اش او را منع نماید، و تا می تواند او را برگرداند. و در روایتی آمده: «دوبار او را منع نماید». پس اگر آن شخص خودداری نکرد در اینصورت با وی بجنگد زیرا که او شیطان است.».

جلو رفتن برای مانع شدن از عبور:

* برای جلوگیری از عبور غیر مکلف مانند حیوان (چارپا)، یا کودک از جلوی نمازش، جایز است که یک قدم یا بیشتر به جلو برود، تا اینکه از پشت سر وی عبور کند.

آنچه نماز را قطع مینماید:

* اهمیت ستره در نماز برای شخصی که بسوی آن نماز می خواند در اینست که از فاسد شدن نماز وی در صورتیکه از جلوی عبور شود، جلوگیری می کند، بر خلاف کسی که ستره نگذاشته است، که در این صورت اگر جلوی زنی بالغ، و همچنین الاغ یا سگی سیاه عبور کند نمازش قطع (باطل) می شود.



*بر نمازگزار لازم است آن نمازی را که برای آن برخاسته نیت نماید، و با قلبش آن را معین کند. بعنوان مثال: فرض ظهر یا عصر یا سنت ظهر یا سنت عصر - و نیت شرط یا رکن می‌باشد، و اما تلفظ نمودن نیت با زبان بدعت و مخالف سنت است، و هیچ یک از ائمه چهارگانه این را نگفته است.

» «:

پس با گفتن: «الله اکبر» که رکن است، نماز را آغاز نماید، زیرا که رسول الله فرمود: «پاکیزگی و طهارت کلید نماز است، و تکبیر سبب تحریم آن، و سلام سبب تحلیل آن است»^(۱).

۱ - یعنی: تحریم آن افعالی که خداوند حرام گردانده و همچنین تحلیل آن، یعنی: تحلیل آن چه که در بیرون از نماز حلال گردانده است. و =

*در تمام نمازها با صدای بلند تکبیر نگوید مگر اینکه امام باشد.

*هر گاه نیاز باشد مثل بیمار بودن امام، و آهسته بودن صدایش، یا بسیار بودن جماعت نمازگزاران، جایز است که مؤذن تکبیر امام را به مردم برساند.

*پیرو تکبیر نگوید مگر بعد از اینکه تکبیر امام تمام و کامل شود.

بلند کردن دستها و چگونگی آن:

همزمان با تکبیر، یا قبل از آن، و یا بعد از آن، دستهایش را بلند نماید، همه اینها در سنت به ثبوت رسیده است.

*و در حالی که انگشتان کشیده شده، دستهایش

= مقصود از تحریم و تحلیل: محرم (حرام شده) و محلل (حلال شده) می باشد.



را بلند کند.

*و دو کف دستش را برابر شانه هایش قرار دهد،
و گاهی در بلند نمودن دستها مبالغه نماید بطوریکه
نزدیک گوشه‌هایش برساند^(۱).

دست بستن و چگونگی آن:

*بعد از تکبیر دست راستش را بر دست چپ
بگذارد، و این از سنت پیامبران + می‌باشد و
رسول الله یارانش را به آن امر نموده است، پس
باز گذاشتن آن جایز نیست.

*دست راستش را بر پشت کف چپش و بر میچ
آن بگذارد.

۱ - و اما با انگشتان ابهام نرمه گوش را دست زدن و گرفتن، در سنت
هیچ اصلی ندارد، بلکه نزد من این کار ریشه در وسوسه دارد.

*و گاهی با دست راست دست چپ را بگیرد^(۱).

جای گذاشتن:

*دستهایش را فقط روی سینه‌اش بگذارد و در این مورد زن و مرد یکسان می‌باشند^(۲).

*و گذاشتن دست راست بر پهلوی جایز نیست.

خشوع و نگاه کردن به جای سجده:

*بر نمازگذار لازم است که در نمازش خشوع و فروتنی نماید، و از نقش و نگارها و هر آنچه که او را از نماز بخود مشغول می‌سازد، اجتناب و دوری کند و هنگام حاضر شدن غذایی که اشتهای خوردن آن را

۱- اما جمع کردن میان گذاشتن دست و گرفتن بطور همزمان که بعضی از متأخرین آنرا پسندیده‌اند در سنت اصلی ندارد.

۲- و دست را بر غیر سینه گذاشتن یا ضعیف است و یا اصلی ندارد.

دارد، و همچنین هنگامی که ادرار و مدفوع به وی فشار آورده است (احتیاج به دستشویی رفتن دارد) نباید در این حال نماز بخواند.

*و در حالت قیام به سجده گاهش نگاه کند.

*نباید گردن یا سینه به چپ و راستش حرکت کند، زیرا این نوعی دزدی است که شیطان از نماز بنده می رباید.

*و همینطور بلند کردن چشم بسوی آسمان جایز نیست.

دعای استفتاح:

*سپس قرائت را با برخی از دعاهای ثابت شده از رسول الله آغاز نماید، و دعاهای استفتاح بسیارند که مشهورترین آنها: «سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک

اسمک و تعالی جدّک، ولا إله غیرک»^(۱)، می باشد.

و فرمان رسول الله به خواندن عای افتتاح به ثبوت رسیده است، در نتیجه شایسته است که همیشه آنر بخواند^(۲).

:

❖ سپس واجب است که به خدا پناه ببرد «أعوذ

بالله» بگوید و ترک آن گناه محسوب می شود.

❖ و سنت است که گاهی: «أعوذ بالله من الشیطان

الرجیم، من همزه ونفخه ونفثه» بگوید. و نفث در اینجا

- پروردگارا تو را به پاکی یاد می کنم و تو را ستایش می گویم، و با برکت است نام تو، و بلندمرتبه است بزرگواری تو، و بجز تو معبودی بحق نیست.
- و کسانی که مایلند بر بقیه ادعیه افتتاح اطلاع یابند به کتاب «صفه الصلاه» (ص ۷۲- ۷۳) چاپ دهم یا یازدهم، و ترجمه فارسی آن از انتشارات حرمین - زاهدان، مراجعه نمایند.



بمعنای شعر مذموم می‌باشد.

*وگاهی نیز: «أعوذ بالله السميع العليم، من الشيطان الرجيم» بگویند.

*آنگاه در نمازهای جهری و سری (نهفته)، با صدای آهسته «بسم الله الرحمن الرحيم» بگویند.
خواندن فاتحه:

*سپس سوره فاتحه را کاملاً بخواند و «بسم الله الرحمن الرحيم» نیز جزء آن است. باید دانست که خواندن فاتحه رکن نماز است و بدون آن نماز صحیح نمی‌شود، پس حفظ نمودن آن برای کسانی که زبانشان عربی نیست واجب است.

*کسی که توانایی حفظ فاتحه را ندارد، کافی است که بگوید: «سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، الله

أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

*و سنت است که آنرا آیه آیه بخواند، یعنی بر آخر هر آیه ای توقف کند، به این صورت که: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» سپس وقف نماید، آنگاه بگوید: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ» سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ» سپس وقف کند، و تا آخر اینچنین بخواند.

وتمام قرائت پیامبر اینچنین بود، و بر هر آیه ای وقف می نمود، و آنرا با آیه بعدی وصل نمی نمود، گرچه از نظر معنا به آن وابسته باشد.

*و «مالک»، «مَلِكٌ» خواندن هر دو جایز می باشد.

خواندن سوره فاتحه برای مقتدی (پیرو):

بر مقتدی واجب است که در نمازهای سری پشت سر امام سوره فاتحه را بخواند، و همچنین در نمازهای جهری در صورتی که قرائت امام را نشنود، یا اگر امام بعد از خواندن آن سکوت نمود بطوری که مقتدی بتواند سوره فاتحه را بخواند، اگر چه این سکوت در سنت به نظر ما ثابت نیست^(۱).

بعد از فاتحه خواندن:

* سنت است که بعد از خواندن سوره فاتحه در دو رکعت اولی یک سوره، یا چند آیه بخواند، همچنین در نماز جنازه.

* گاهی بعد از فاتحه قرائت چند آیه را طولانی

- در کتاب سلسله احادیث ضعیفه (شماره ۵۴۶ و ۵۴۷) مستند کسانی که به آن قائل هستند و پاسخ به آنها را ذکر نموده‌ام.

نماید، و گاهی هم بخاطر مشکلاتی چون سفر، سرفه، بیماری، یا گریه کودک قرائت را کوتاه نماید.

* قرائت قرآن در نماز چند صورت دارد: مثلاً: قرائت در نماز صبح طولانی‌تر از بقیه نمازهای پنجگانه است، و به ترتیب بعد از آن نماز ظهر، نماز عصر، عشاء، و در پایان نماز مغرب در غالب اوقات. * قرائت در نماز شب از قرائت همه نمازها طولانی‌تر است.

* در سنت معلوم است که قرائت رکعت اول طولانی‌تر از قرائت رکعت دوم نماید. * و قرائت در دو رکعت آخر به اندازه نصف قرائت در دو رکعت اول کوتاه‌تر نماید^(۱).

- تفصیل این مسأله را می‌توانید در کتاب «صفه الصلاه» (ص ۸۳) چاپ یازدهم بخوانید، همچنین به چاپ فارسی آن از انتشارات حرمین - زاهدان مراجعه کنید.

در هر رکعت فاتحه خواندن:

*خواندن فاتحه در هر رکعت واجب است.
*و همچنین سنت است که احیاناً در دو رکعت آخر چیزی غیر از فاتحه بخواند.
*برای پیشوا جایز نیست بیشتر از آن مقداری که در سنت وارد شده، نماز را طولانی نماید، زیرا با اینکار برای کسانی که پشت سر وی هستند کار را دشوار می‌نماید، شاید مرد بزرگسالی یا بیماری، یا زنی که کودک شیرخوار دارد و یا شخصی که کاری ضروری دارد پشت سرش باشد.

بلند و آهسته خواندن:

*خواندن فاتحه و برخی از آیات قرآن را در نماز صبح، جمعه، نماز عید، استسقاء(طلب باران)،

کسوف (ماه گرفتگی) و دو رکعت اول از نماز مغرب و عشاء با صدای بلند بخواند.

* و اما در نماز ظهر، عصر، رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشاء با صدای آهسته بخواند.
* برای امام جایز است که گاهی در نمازهای سری آیه‌ای بلند بخواند و پیروان آنرا بشنوند.

* و اما نماز شب و وتر را گاهی آهسته، و گاهی با صدای بلند بخواند، و در بلند نمودن آواز اعتدال را رعایت نماید.

خواندن قرآن با ترتیل (تجوید):

* سنت است که قرآن را با تجوید و ترتیل بخواند، نه یک نفس و با عجله، بلکه طوری بخواند که همه حروف آشکار شود، و صدایش به قرائت قرآن زینت بخشد، و با نوای خوب طبق آن احکامی که نزد اهل

علم به تجوید معروف است، تلاوت نماید، نه با نواهای اختراعی و قوانین موسیقی معروف.

یادآوری به امام:

* هر گاه قرائت برای امام دشوار گردد یا در اشتباه افتد، برای مأموم جایز است که امام را یادآوری کند.

:

* پس هنگامی که از قرائت فارغ شود، به اندازه‌ای که به نفشش بر گردد، سکوت نماید.

* سپس همچنانکه در تکبیره الإحرام ذکر شد دستهایش را بلند کند.

* و تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است.

* آنگاه رکوع نماید، به اندازه‌ای که مفصلهایش استقرار پیدا کند، و هر عضوی بجای خودش بر گردد، و این رکن است.

چگونگی رکوع:

*دستهایش را بر زانوهایش گذاشته، و زانوهایش را محکم بگیرد، و انگشتانش را باز بگذارد، اینها همه واجب است.

*و پشت خود را پهن و دراز نماید - بطوری که اگر بر پشتش آب ریخته شود آنجا بماند - و این واجب می باشد.
*و سرش را پائین و یا بالا نگیرد، بلکه برابر با پشتش قرار دهد.

*دو آرنجش را از پهلویش دور نگه دارد.

*و در رکوعش سه مرتبه یا بیشتر، «سبحان ربی

العظیم»^(۱) بگوید.

- اذکار دیگری برای گفتن در رکوع نیز وارد شده، برخی از آنها طولانی و برخی متوسط و برخی دیگر کوتاه می باشند، به صفة صلاه النبى ص ۱۱۳ چاپ یازدهم، و ترجمه فارسی آن مراجعه شود.

برابر و یکسان قرار دادن ارکان با هم:

*و یکسان قرار دادن ارکان در طولانی بودن، سنت است. پس رکوعش، و بلند شدنش بعد از رکوع، و سجودش، و نشستش بین دو سجده، از نظر طولانی بودن باید یکسان باشند.

*قرآن خواندن در رکوع یا در سجده جایز نیست.

(اعتدال) راست شدن از رکوع:

*سپس پشت خود را از حالت رکوع بلند کند، و این رکن است.

*و در اثنای اعتدال (راست شدن) «سمع الله لمن

حمده». بگوید. و این واجب است.

*به کیفیت‌هایی که گذشت، دست‌هایش را در

اعتدال بلند نماید.

*سپس معتدل و مطمئن بایستد تا اینکه هر استخوانی جای خودش را بگیرد، و این رکن است.

*و در این حالت «ربنا ولک الحمد»^(۱) بگوید، و گفتن آن بر هر نمازگزاری واجب است، اگر چه پشت سر امام هم باشد^(۲).

زیرا که این ورد مخصوص قیام است، اما «سمع الله لمن حمده» ورد اعتدال می باشد.

*و این قیام و رکوع را به یک اندازه طولانی نماید، همچنانکه گذشت.

۱- و اذکار دیگری نیز هست که در این رکن گفته می شود، به صفة صلاه النبى (ص: ۱۱۶) چاپ یازدهم مراجعه نمایید.

۲- در این قیام چون دست بستن وارد نشده است، مشروع نیست، جهت توضیح بیشتر به اصل کتاب صفة صلاه النبى مراجعه نمایید.

سجده کردن بر زمین:

*سپس «الله اکبر» بگوید و این واجب است.

*و گاهی دستهایش را بلند نماید.

بر دستها به زمین رفتن:

*سپس برای سجده کردن بر دستهایش به زمین

رود، و آن را قبل از زانوهایش بر زمین بگذارد، چون

رسول الله چنین امر نموده، و همچنین از عمل

آنحضرت ثابت می‌باشد، و ایشان نمازگزاران را از

زانو زدن مانند شتر نهی کرده است، و شتر بر دو

زانوئی که در دستهایش است، زانو می‌زند.

*پس هنگامی که سجده کرد، - و این رکنی از

رکنهای نماز است - بر دو کف دستش تکیه نماید و

آنها را باز کند.



* و انگشتانش را به هم بچسباند.

* و آنها را به سوی قبله بگذارد.

* و دو کفهایش را برابر شانه‌هایش قرار دهد.

* و گاهی برابر گوش‌هایش بگذارد.

* واجب است که ساعدش را از زمین بلند کند، و

آنطور که سگ دستهایش بر زمین می‌گذارد بر زمین
نگذارد.

* بینی و پیشانیش را محکم روی زمین بگذارد، و

این از ارکان نماز است.

* و همچنین زانوهایش را محکم روی زمین

بگذارد.

* و همچنین سر انگشتان پاهایش را محکم بر

زمین بگذارد.

* و پاهایش را راست و ایستاده بگیرد، همه اینها

واجب است.

*و سر انگشتان پاهایش را به سمت قبله قرار دهد.
 *و عقب (پاشنه) پاهایش را به هم نزدیک کند و
 بچسباند.

اعتدال (آرام گرفتن) در سجده:

*بر نمازگزار واجب است که در سجده اش اعتدال داشته باشد، به این معنا که بر تمام اعضای سجده اش بطور مساوی و یکسان تکیه کند، و اعضای سجده عبارتند از: پیشانی و بینی، و دو کف دست، و دو زانو، و سر انگشتان دو پا.

*و اگر کسی به این کیفیت در سجده اش اعتدال را رعایت نمود، همانا بطور یقین اطمینان و آرام گرفته است، و همچنین اطمینان و آرام گرفتن در سجده از ارکان نماز است.

*و در سجده‌اش سه بار یا بیشتر: «سبحان ربی
الأعلى»^(۱) بگوید.

*و مستحب است که در سجده بسیار دعا کند،
زیرا که امید اجابت است.
*و همچنانکه گذشت سجده‌اش را باندازه
رکوعش طولانی نماید.

*سجده بر زمین، و همچنین بر چیزهایی مانند:
لباس، فرش، حصیر، و مانند اینها، که بین زمین و
پیشانی، مانع باشند جایز است.
*در سجده خواندن قرآن جایز نیست.

۱- و اذکار دیگری نیز وجود دارد که برای اطلاع از آنها می‌توانید به
صفه الصلاه النبوی (ص ۲۷) چاپ عربی، و ترجمه فارسی آن، از
انتشارات حرمین - زاهدان - ایران مراجعه نمایید.

افتراش و نشستن میان دو سجده:

* سپس با گفتن «الله أكبر» سرش را بلند کند، و این واجب است.

* در بعضی اوقات دستهایش بلند نماید.

* آنگاه مطمئن و آرام بنشیند تا اینکه هر استخوانی در جای خودش قرار گیرد، و این از ارکان نماز است.
* و پای چپش را بگستراند (پهن کند) سپس بر آن بنشیند، و این واجب است.

* و پای راستش را ایستاده نگه دارد.

* و انگشتانش را بسوی قبله نگه دارد.

* و گاهی نشستن به صورت اقعاء^(۱) جایز است، و اقعاء بمعنای این است که بر پاشنه و سینه قدمهایش

۱- اقعاء: این است که دو پای خویش را بر زمین نهاده بطوری که بدن او روی کف پاهای او قرار گیرد.



بنشینند.

* و در این جلسه: «اللهم اغفر لي، وارحمني، واجبرني، وارفعني، وعافني، وارزقني». بگوید.

* و اگر خواست: «رب اغفر لي، رب اغفر لي» بگوید.

* و این جلسه را تقریباً به اندازه سجده‌اش طولانی نماید.

سجده دوم:

* سپس «الله أكبر» بگوید، و این واجب است. و بعضی اوقات با این تکبیر دستهایش را بلند نماید.

* و سجده دوم را انجام دهد، و این سجده نیز از ارکان نماز است.

* و کارهایی را که در سجده اول انجام داد، در این

سجده نیز انجام دهد.

جلسه استراحت:

*سپس وقتی که سرش را از سجده دوم بلند نمود، و خواست برای رکعت دوم بلند شود، تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است.

*و گاهی دستهایش را بلند کند.

*و چند لحظه معتدل و آرام بر پای چپش بنشیند، تا اینکه هر استخوانی به جای خودش برگردد.

رکعت دوم:

*سپس با دستهای مشت کرده همانطور که شخص خمیر کننده مشت می کند، بر زمین تکیه کند، و برای رکعت دوم برخیزد، و این رکعت دوم از ارکان نماز است.

*و همان کارهایی که در رکعت اول انجام داد در رکعت دوم نیز انجام دهد.

*مگر اینکه دعاء افتتاح را در رکعت دوم نخواند.
*و رکعت دوم را از رکعت اول کمی کوتاهتر کند.

نشستن برای تشهد:

*و پس از اینکه از رکعت دوم فارغ شد، برای تشهد بنشیند، و این واجب است.

*و به حالت افتراش، بنشیند چنانچه در جلسه (نشستن) میان دو سجده گذشت.

*اما در تشهد جایز نیست که بصورت اقعاء بنشیند.

*و کف دست راستش را بر ران و زانوی راست، بگذارد، و آخر آرنج راستش را بر رانش بگذارد، و از آن دور ننماید.

*و کف دست چپش را بر ران و زانوی چپش
بگستراند.

*و جایز نیست بر دستش تکیه زده و بنشیند،
مخصوصاً بر دست چپ.

حرکت دادن انگشت، و نگاه بسوی آن:

*گاهی همه انگشتان دست راستش را مشت کند،
و انگشت ابهام را بر انگشت وسطی بگذارد.

*و گاهی انگشت ابهام را با وسطی حلقه نماید.

*و با انگشت سبابه (شهاده) بسوی قبله اشاره کند.

*و به انگشتش نگاه کند.

*و از اول تشهد تا آخرش آنرا حرکت دهد و با
آن دعا نماید.

*و با انگشت دست چپش اشاره نکند.

*و همه اینهایی که گفته شد در هر تشهد انجام دهد.

لفظ تشهد و دعا خواندن بعد از آن:

* تشهد واجب است، و اگر فراموش نمود سجده سهو بجای آورد.

* و تشهد را آهسته بخواند.

* و لفظ آن: «التحيات لله، والصلوات والطيبات، السلام على النبي^(۱) ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله» می باشد.

وبعد از آن بر پیامبر درود بفرستد، پس چنین بگوید: «اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد، كما

۱- واین لفظ (یعنی: علی النبی) بعد از وفات پیامبر مشروع و جایز است، زیرا این لفظ در تشهد ابن مسعود وعائشه واین زبیر وابن عباس به ثبوت رسیده است، و کسی که خواهان تفصیل این مسأله است به کتابم صفة صلاه النبی (ص ۱۴۲) مراجعه نماید.

صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم، انک حمید مجید،
 اللهم بارک علی محمد وعلی آل محمد، کما بارکت علی
 ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید»^(۱).

و اگر خواستی که مختصر بخوانی، بگو: «اللهم
 صل علی محمد، وعلی آل محمد، وبارک علی محمد وعلی
 آل محمد، کما صلیت وبارکت علی ابراهیم، وعلی آل
 ابراهیم، انک حمید مجید».

*سپس از دعا‌های وارد شده هر دعایی که مورد
 پسند وی است، انتخاب نموده و در این تشهد، با آن
 دعاها خداوند را بخواند.

۱- در کتابم الفاظ ثابت دیگر تشهد وجود دارد، و آنچه در اینجا ذکر
 کرده‌ام صحیح‌ترین آنها می‌باشد.

رکعت سوم و چهارم:

*سپس تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است، و سنت این چنین است که در حالی که هنوز نشسته است تکبیر بگوید.

*و گاهی دستهایش را بلند کند.

*سپس برای رکعت سوم بلند شود، و این رکعت مانند رکعت بعدی (چهارمی) رکن نماز است.

*و هنگام برخاستن برای رکعت چهارم همین کارها را انجام می دهد.

*مگر قبل از اینکه برای رکعت چهارم بلند شود، آرام و معتدل بر پای چپ بنشیند (جلسه استراحت) تا اینکه هر استخوانی بجای خودش برگردد.

*آنگاه با تکیه کردن بر دستهایش بلند شود، همچنانکه در برخاستن به رکعت دوم انجام داد.

*سپس در هر یک از رکعت سوم و چهارم واجب است سوره فاتحه را بخواند.

*و گاهی یک آیه یا بیشتر بعد از فاتحه بخواند.

قنوت نازل:

*برای نمازگزار سنت است بخاطر مصیبتی که بر مسلمانان وارد شده قنوت بخواند و برای آنها دعا نماید.

*و جای خواندن قنوت بعد از برخاستن از رکوع و گفتن «ربنا لک الحمد» می باشد.

*دعای مخصوصی ندارد، بلکه دعاهایی را که با آن مشکل و مصیبت مناسبت دارد بخواند.

*و در این دعای قنوت دستهایش را بلند می کند.

*و اگر امام است دعای قنوت را با صدای بلند

بخواند.

*و کسانی که مأموم هستند آمین بگویند.

*و هنگامیکه از دعا فارغ شد تکبیر گفته و سجده

نماید.

قنوت وتر و جای خواندن آن:

*خواندن دعای قنوت در وتر گاهی اوقات مشروع

و جایز است.

*و جای آن قبل از رکوع است، بخلاف قنوت

نازله.

*و در آن این دعا را بخواند: «اللهم اهدني فيمن

هديت، وعافني فيمن عافيت، وتولني فيمن توليت،

وبارك لي فيما أعطيت وقني شر ما قضيت، فَإِنَّكَ تَقْضِي

وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ، وَإِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَعْزُّ مَنْ

عادت، تبارکت ربنا و تعالیت، ولا منجا منک إلاَّ
إلیک».

*و رسول الله این دعا را به اصحابش آموزش داد، پس نباید چیزی بر آن افزود، مگر درود و صلاه بر پیامبر که بخاطر ثابت بودنش از اصحاب جایز است.

*سپس رکوع و دو بار سجده کند، چنانکه گذشت.

تشهد آخری، و نشستن به حالت تَوَرُّک^(۱):

*سپس برای تشهد آخری بنشیند، و هر دو تشهد واجب است.

۱- متورک به این معنی: طوری دو زانو بنشیند که پشت پای چپ، روی کف پای راست قرار بگیرد.

*و کارهایی را که در تشهد اول انجام داد در این تشهد هم انجام دهد.

*بجز اینکه در این تشهد بحالت تورک بنشیند، به این کیفیت که سرین چپش را بر زمین گذاشته، و هر دو قدمش را از یک سمت بیرون بیاورد، و پای چپ را زیر ساق پای راستش قرار دهد.

*و قدم راستش را نصب کند.

*و گاهی پهن کردن آن نیز جایز است.

*و با کف دست چپش زانویش را بگیرد و بر آن تکیه زند.

واجب بودن درود بر پیامبر و از چهار چیز پناه

خواستن:

*بر نمازگزار واجب است در این تشهد بر پیامبر

درود بفرستد، و ما بعضی از درود را در تشهد اول ذکر نمودیم.

*و همچنین بر نمازگزار واجب است از چهار چیز، به خداوند پناه برد و بگوید: «اللهم إني أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن شر فتنة المسيح الدجال»^(۱).

دعا نمودن قبل از سلام:

*سپس با انتخاب خودش از آن دعاهایی که در کتاب و سنت به ثبوت رسیده است برای خودش دعا

۱- فتنة محيا: فتنه‌هایی که در زندگی انسان بر اثر دنیا و شهواتش برای وی اتفاق می‌افتد، و فتنة ممات: عبارت است از فتنة قبر و سؤال دو فرشته، و فتنة مسيح دجال: آن کارهای خارق العاده‌ای که به دستش آشکار می‌شود، و با آن بسیاری از مردم را گمراه می‌سازد، و با ادعای الوهیت او را پیروی می‌نمایند.

نماید. و این دعاها بسیارند و دعاهاى خوبى هستند، اما اگر چیزی از این دعاها نمى دانست، آنچه برایش میسر است، و در دین و دنیا به وی فایده مى رساند، دعا کند.

سلام دادن و انواع آن:

*سپس بطرف راستش «السلام علیکم ورحمة الله» گوید، و آنقدر صورتش را بچرخاند تا اینکه سفیدی رخسارش دیده شود، و سلام از ارکان نماز است.

*و پس از آن بطرف چپش سلام دهد تا اینکه سفیدی رخسار چپش دیده شود، اگر چه در نماز جنازه باشد.

*امام برای سلام دادن صدای خودش را بلند می کند، مگر در نماز جنازه که با صدای آهسته سلام دهد.

*و سلام دادن انواعی دارد:

اول: بطرف راستش: «السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

وبطرف چپش: «السلام علیکم رحمة الله»، بگوید.
دوم: مانند سلام اول سلام بگوید بدون اینکه:
«وبرکاته» بگوید.

سوم: بطرف راستش: «السلام علیکم ورحمة الله»،
وبطرف چپش: «السلام علیکم» بگوید.

چهارم: روبروی خود یک سلام می‌دهد، و در
وقت سلام کمی به طرف راستش مایل می‌شود.

ای برادر مسلمان! این فرصت برایم پیدا شد تا
روش نماز پیامبر را مختصر نمایم. کوشش نمودم
تا چگونگی نماز را برای شما نزدیک نمایم تا برای

شما واضح و روشن گردیده و در ذهن شما مجسم گردد و بطوریکه گویا نماز رسول الله را در برابر چشمانت می‌بینی، پس اگر تو چنانچه من نماز پیامبر را توصیف نمودم، نماز بخوانی، امیدوارم خداوند از تو بپذیرد، زیرا در اینصورت تو به قول پیامبر :

«صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصْلِي»^(۱) جامه عمل پوشیدی.

سپس بعد از اینها بر شما لازم است که اهمیت حضور قلب، خشوع و فروتنی در نماز را فراموش نکنید، زیرا که حضور قلب و خشوع مقصود بزرگ و اصلی ایستادن بنده در جلوی پروردگارش می‌باشد، و هر اندازه که با خشوع و فروتنی بیشتر نماز بخوانی، و نمازت به چگونگی و کیفیت نماز رسول الله

۱- آنگونه که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

نزدیکتر باشد، از آن نتیجه و ثمره‌ای که پروردگارمان
به آن اشاره نموده: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^(۱) بیشتر برخوردار خواهی شد.

و در پایان از خداوند بزرگ مسألت دارم که نمازها
و بقیه اعمالمان را بپذیرد، و ثواب و پاداش آنها را
برای روزی که ملاقاتش می‌نمائیم، ذخیره نماید. «لَا
يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^(۲).

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پایان ترجمه ۲۳ رمضان ۱۴۲۰ هـ ق

۱- همانا نماز، انسان را از کارهای زشت و منکر باز می‌دارد.

۲- روزی که مال و فرزندان به آدمی زاد فائده نمی‌رسانند، مگر کسی که
با دلی پاک و خالی از شرک در درگاه الهی حاضر شود.



:

ترجمة: حسين تاجي گله داري

باللغة الفارسية

طبع ونشر:

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

المملكة العربية السعودية

:

باللغة الفارسية

ترجمة: حسين تاجي گله دارى

الناشر

وكالة المطبوعات والبحث العلمي

وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد

١٤٢٦هـ